

ارزیابی تواتر قرائت از دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی*

سیدرضا مودب* و سیدمحمد سجادی***

چکیده

مبحث قرائت و تواتر آن‌ها، از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی به شمار می‌آید؛ موافقان تواتر قرائت با ادله‌ای که اقامه می‌کنند لزوم آن را اثبات می‌نمایند؛ ولی دلایل آن‌ها مورد پذیرش واقع نمی‌شود؛ آیت الله فاضل از جمله مخالفان تواتر قرائت به حساب می‌آید؛ ایشان با بیان دلایل موافقان تواتر، آن‌ها را نقد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین استدلال‌هایی که قائلان به تواتر بدان تمسک کرده‌اند، تلازم بین تواتر قرآن و قرائت است؛ آن‌ها با این پیش فرض که قرآن و قرائت با هم اتحاد دارند لزوم تواتر قرائت را مدعی شده‌اند؛ لکن آقای فاضل با نقدهایی چون عدم تلازم میان تواتر اصل قضیه و خصوصیات آن، وجود چنین تلازمی را منکر شده‌اند و دلایل آن‌ها را مخدوش نموده‌اند؛ از طرفی با بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف تواتر قرائت، اجماعی نبودن این نظریه به اثبات رسیده است.

آقای فاضل تواتر اصل قرآن را امری لازم و ضروری می‌دانند؛ ایشان از میان قرائت قرآن تنها یک قرائت را صحیح می‌دانند و آن قرائت معهود و مشهور بین مسلمین است. با بررسی‌های آیت الله فاضل روشن می‌گردد که دلیل معتبری برای اثبات تواتر قرائت وجود ندارد.

واژگان کلیدی: تواتر قرآن، تواتر قرائت، قرائت، فاضل لنکرانی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲.

** استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه قم: reza@moaddab.ir

*** دانش پژوه سطح ۴ تخصصی تفسیر و علوم قرآنی ائمه اطهار (نویسنده مسئول): Seyedhassansagadi@gmail.com

مقدمه

نزول قرآن، سرآغاز حرکت جهانی پیامبر اکرم ﷺ برای هدایت بشریت به حساب می‌آید؛ قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی با آیات شگرف خود نقش بی بدیلی در رشد فکری و فرهنگی جامعه مسلمان ایفا نمود؛ از این رو پیامبر و اصحاب ایشان در حفظ و کتابت آن اهتمام ورزیدند تا این منبع وحی الهی از هر گونه انحراف محفوظ بماند.

اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌گران قرآنی بر این باورند که متن قرآن به تواتر به دست ما رسیده است؛ از جمله راه‌های اثبات تواتر قرآن که در بین علمای اسلام رواج پیدا کرد، تواتر قرائات است؛ این نظریه بیشتر در قرن ۶ ق توسط بیشتر علمای اهل سنت و عده کمی از دانشمندان شیعه مورد قبول قرار گرفته است (سبکی، رفع الحجاب، ۱۴۱۹: ۹۱/۲ - ۹۳؛ طباطبایی، مفاتیح الاصول، ۱۲۹۶: ۳۲۲؛ ابن جزری، منجد المقرئین، ۱۴۱۹: ۸۰)؛ آن‌چه از آثار و کتب علمای سلف برداشت می‌شود آن است که تواتر قرائات مورد اتفاق پژوهش‌گران و محققان قرآنی نبوده است؛ به همین سبب کسانی هم چون فخر رازی (فخر رازی، تفسیر، ۱۴۲۰: ۱/۷۰)، ابن حاجب (سبکی، رفع الحجاب، ۱۴۱۹: ۹۱/۲) به نقد این نظریه پرداختند.

تواتر قرائات یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی به شمار می‌آید و نفی یا اثبات این نظریه تأثیر به‌سزایی در فهم و تفسیر آیات قرآن دارد.

در عصر حاضر برخی از علمای شیعه در این موضوع ورود کرده‌اند و به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند؛ در این بین یکی از کسانی که بحث تواتر قرائات را مورد کنکاش جدی قرار داده است، فقیه نامی حضرت آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه است.

در نوشتار حاضر، ابتدا به توضیح واژه‌های تواتر و قرائات پرداخته می‌شود؛ سپس با بیان دیدگاه‌های دانشمندان سنی و شیعه، به صورت مبسوط دیدگاه آیت الله فاضل رحمته الله علیه در مورد تواتر قرائات به صورت شایان توضیح داده می‌شود.

تعریف تواتر

قبل از هر چیز ضروری است واژه‌های تواتر و قرائات از لحاظ لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرند.

۱. تواتر در لغت

این کلمه، مشتق شده از «و-ت-ر» است؛ (واژه وِتر/ وِتر به معنای «فرد»)، به معنای در پی هم آمدن و پیایی شدن است (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۵: ۸/۱۳۲)؛ واژه تواتر، در جایی به کار می‌رود که افراد یک چیزی یکی پس از دیگری بصورت نا پیوسته پدیدار شوند («ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۴: ۵/۲۷۳»).

۲. تواتر در اصطلاح

تواتر در اصطلاح علم حدیث عبارت است از خبر جماعتی که اتفاق آن‌ها بر کذب ممتنع باشد (زرکشی، البحر المحیط، ۱۴۲۱: ۳/۲۹۶).

برخی تواتر را وصف خبری دانسته‌اند که به علاوه شرط مذکور شرط دیگری را برای تحقق این وصف لازم می‌دانند و آن علم پیدا کردن از مضمون خبر است (سید مرتضی، الذریعه، ۱۳۸۴: ۲/۴۸۹-۴۸۸).

پژوهش‌گران علوم قرآن همین معنا را از تواتر اراده کرده‌اند؛ آن‌ها قرائت متواتر را قرائتی می‌دانند که روایان آن تبانی بر کذب نکرده باشند (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۱/۲۶۱).

تعریف قرائات

۱. قرائات در لغت

دانشمندان علم لغت برای واژه قرائت معانی مختلفی گفته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- برخی از اهل لغت بر این باورند که معنای اصلی «قرائت»، جمع کردن است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۴: ۱/۲۸).

با توجه به این معنا، خواندن و تلاوت کردن جزء معنای اصلی نیست؛ بلکه از آن جهت که قاری در هنگام خواندن قرآن کلمات و حروف را به هم‌دیگر ضمیمه می‌کند، قرائت را در خواندن استعمال می‌کند.

- در مقابل عده‌ای «قرائت» را به خواندن و تلاوت کردن معنا کرده‌اند؛ با توجه به این معنا، خواندن معنای اصلی ماده «قرأ» است. صبحی صالح در این باره نوشته است: «قرأ» به معنای «تلا» در میان عرب جاهلی رواج داشته است (صالح، مباحث فی علوم القرآن، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۰).

۲. قرائت در اصطلاح

تعاریف متعددی برای اصطلاح «قرائت» در کتب علوم قرآنی بیان شده است؛ که در این جا به دو نمونه اشاره می‌شود:

- ابن جزری در این باره می‌گوید: قرائت عبارت است از علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف در کیفیت آن می‌داند (ابن جزری، منجد المقرئین، ۱۴۱۹: ۴۹).

- تعریف دیگری که مورد توجه علمای قرائت قرار گرفته است تعریف زرکشی است؛ او بر این باور است که قرائت عبارت است از «اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی نازل بر پیامبر اسلام که این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها، از قبیل تخفیف و تشریح و امثال آن از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۵).

۳- دیدگاه دانشمندان پیرامون تواتر قرائت

با ورود نظریه تواتر قرائت در مباحث علوم قرآنی، اظهار نظرهای موافق و مخالف قرآن پژوهان مسلمان اعم از شیعه و اهل سنت آغاز گردید؛ به همین سبب ضروری است تا دیدگاه‌های علما و دانشمندان به تفکیک شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد.

۱. دانشمندان شیعه

یک - موافقین تواتر

در میان پژوهش‌گران شیعه برخی از علما تواتر قرائت را پذیرفته‌اند؛ این عده از دانشمندان شیعه بر این باورند که هفت قرائت مشهور و به عقیده بعضی قرائت ده‌گانه به صورت متواتر از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است.

از جمله کسانی که تواتر قرائت سبعة را معتقد است علامه حلی رحمته الله علیه است؛ (حلی، نهاییة الاحکام، ۱۴۲۰: ۱/ ۴۶۵؛ حلی، تذکرة الفقهاء، ۱۴۱۴: ۵/ ۶۴). ایشان در کتب متعدد خود بدین مطلب تصریح کرده است؛ برخی مثل شهید اول (عاملی، ذکر الشیعه، ۱۴۱۹: ۳/ ۳۰۵) و شهید ثانی (عاملی، حقایق الایمان، ۱۳۷۸: ۲۳۱). نیز، پا را فراتر گذاشته‌اند و قائل به تواتر قرائت عشر شده‌اند.

دو - مخالفین تواتر

با وجود موافقت برخی با تواتر قرائت، عده زیادی از علمای شیعه این مطلب را مورد انکار قرار داده‌اند و آن را باطل دانسته‌اند؛ در این جا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

شیخ صدوق رحمته الله علیه: ایشان با صراحت تمام تواتر قرائات را منافی اعتقادات شیعه می‌داند؛ زیرا نزول قرآن بر قرائت واحد از جمله معتقدات شیعه به شمار می‌آید (صدوق، اعتقادات، ۱۴۱۴: ۸۶).

شیخ طوسی رحمته الله علیه: وی در مقدمه تفسیر التبیان تواتر قرائات را باطل دانسته است (طوسی، التبیان، ۱۴۳۰: ۷/۱).

امین الاسلام طبرسی: ایشان در مقدمه تفسیر مجمع البیان نزول قرآن بر قرائت واحد را قبول کرده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵: ۳۸/۱).

شیخ رضی: ایشان از جمله کسانی است که تصریح به عدم تواتر قرائات کرده است (رضی، شرح رضی، ۱۳۹۵: ۲/۲۶۱).

سید نعمت الله جزائری: آیت الله جزائری به صورت مفصل ادله قائلین به تواتر را نقد می‌کند و دیدگاه شیعه مبنی بر نزول قرآن بر قرائت واحد را اثبات می‌کند (جزائری، الانوار النعمانیة، ۱۴۰۴: ۲/۳۵۶).

علامه مجلسی: علامه مجلسی در ذیل روایتی مبنی بر نزول قرآن بر قرائات متواتر می‌فرماید: این مطلب مخالف مذهب شیعه است و عقیده شیعه بر نزول قرآن بر قرائت واحد است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۲/۶۵ و ۶۶).

شیخ انصاری: ایشان نیز تواتر قرائات را مطلبی باطل می‌داند و ادله موافقین را مردود می‌داند (انصاری، کتاب الصلاة، ۱۴۱۵: ۱/۳۶۲ و ۳۶۳).

آخوند خراسانی: ایشان صراحتاً قول به تواتر را باطل می‌داند (خراسانی، کفایة الاصول، ۱۴۰۹: ۲۵۸).

علامه بلاغی: وی در کتاب تفسیر خود نظریه تواتر قرائات را مردود می‌شمارد (بلاغی، آلاء الرحمن، ۱۴۲۰: ۱/۳۰).

آیت الله خوئی: آقای خوئی به تبع بزرگان دیگر تواتر را باطل می‌داند و ایشان بر این باورند که اکثر علمای شیعه و اهل سنت این مطلب را قبول ندارند (خوئی، البیان، ۱۴۳۰: ۱۲۳).

علامه طباطبایی: ایشان قرائات سبعة را در حد شهرت می‌داند و متواتر بودن آن‌ها را نفی می‌کند (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

علامه معرفت: آیت الله معرفت ضمن صحیح دانستن قرائتی که بین عامه مسلمین متواتر است بقیه قرائات را شاذ می‌داند؛ به همین سبب ایشان تواتر قرائات را مردود می‌دانند (معرفت، التمهید، ۱۴۱۰: ۲/۱۴۵).

آیت الله فاضل لنکرانی: وی از جمله فقیهانی است که تواتر قرائات را امری مردود می‌داند و برای اثبات سخن خویش ادله قائلین را ذکر کرده است و آن‌ها را مورد نقد قرار داده است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۳۴). در ادامه دیدگاه ایشان بصورت مستقل توضیح داده می‌شود.

۲. دانشمندان اهل سنت

یک - موافقان تواتر

نووی یکی از دانشمندان اهل سنت در قرن ۷ ق است؛ او بیان می‌کند که تواتر قرائات سببه مطلب صحیحی است و کسانی که آن را مورد تردید قرار می‌دهند یا اشتباه کرده‌اند و یا جهل به مطلب داشته‌اند (قابه، القرائات القرآنیه، ۱۹۹۹: ۱۸۸).

زرقانی: وی با بیان این مطلب که قرائات عشره متواتر هستند آن را مورد تایید قرار داده است و برای اثبات سخن خویش دلایلی را بیان کرده است (زرقانی، مناهل العرفان، بی تا: ۱/ ۴۳۳ و ۴۳۴).

حسن بن محمد بن محمود العطار نیز بر این باور است که قرائات عشره متواتر هستند و بر آن تأکید کرده است؛ و دیدگاه مخالفانی چون ابن حاجب را مورد انتقاد قرار داده است (عطار شافعی، حاشیه العطار، بی تا: ۱/ ۲۹۷ و ۲۹۹).

دو. مخالفان تواتر

در بین دانشمندان اهل سنت از اولین کسانی که تواتر در قرائات را مورد تردید قرار داده است ابن جریر طبری است؛ وی در موارد متعددی در تفسیر خود برخی از قرائات سببه را رد کرده است که این نشانه قائل نبودن وی به تواتر قرائات است (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۸/۲).

زرکشی: او تواتر قرائات را تا ائمه قرائات ثابت می‌داند ولی قرائات را تا زمان رسول خدا متواتر نمی‌داند (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۶).

شیخ ولید بن راشد السعیدان: وی تواتر در قرائات را شرط نمیداند و صحت سند را کافی می‌داند (سعیدان، تعریف الطلاب، بی تا: ۱/ ۱۵).

معتزله: در کتب متعدد به معتزلی‌ها نسبت داده شده است که آن‌ها تواتر قرائات را قبول ندارند (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۰۹).

مکی بن ابیطالب: او با بیان این که قرائاتی که سند صحیحی دارد ولی با رسم مصحف مطابقت ندارد جزء خبر واحد حساب می‌شود به عدم تواتر قرائات اشاره می‌کند (مکی بن ابیطالب، کتاب التبصره، ۱۴۰۲: ۱۵۰ - ۱۵۴).

ابن جزری: وی در کتاب النشر فی القرائات العشر می نویسد: در بین قرائات سبعة نیز قرائت شاذ وجود دارد و این سخنی است که علمای سلف بدان تمایل داشته اند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۹/۱ و ۱۰).

مکی جریسی: او نیز شرط مقبولیت قرائت را صحت سند می داند و تواتر قرائات را قبول ندارد (مکی جریسی، نهاية القول، ۱۴۲۳: ۱۶).

محمد بن صالح بن محمد العثیمین: وی ملاک مقبولیت قرائت را صحت سند و مطابقت با مصحف عثمانی می داند و تواتر را صحیح نمی داند (عثیمین، الشرح الممتع، ۱۴۲۸: ۳/۸۲ و ۸۳).

شیخ حمد بن عبدالله الحمد: ایشان هم صحت سند را ملاک برای قبولی قرائت می داند (حمد، شرح زاد المستقنع، بی تا: ۵/۵۹).

نقش قرائات در تفسیر

یکی از مهم ترین اصول اساسی تفسیری آن است که مفسر باید قرآن را بر اساس قرائتی تفسیر کند که آیات وحی بر همان قرائت نازل شده است؛ بر همین اساس، یک پژوهشگر و مفسر حقیقی قرآن می بایست مبنایی علمی در رابطه با قرائات قرآن اتخاذ کند تا بتواند فهمی جامع و کامل از قرآن ارائه دهد؛ زیرا قائل شدن به تواتر قرائات یا رد آن در بعضی موارد نقش به سزایی در دلالت آیات قرآن ایفا می کند (مؤدب، مبانی تفسیر در قرآن، ۱۳۹۶: ۷۹).

برخی از فرهیختگان تفسیر و علوم قرآنی هم چون ابن عاشور قرائات را به دو گونه تقسیم کرده اند:

الف) هیچ نقش و تاثیری در تفسیر ندارد، مثل اختلاف در وجوه نطق به حروف و... که فایده این گونه مسائل، تعیین کیفیت نطق عرب در مخارج و صفات حروف و اختلاف لهجه های عربی است.

ب) اختلافاتی که در تفسیر تأثیرگذار است، مثل اختلاف در کلمه «مالک» و «ملک»، «یصدون» و «یصدون»، «یطهرون» و «یطهرون»؛ در این موارد قرائات مختلف معانی آیه را متفاوت می کند (ابن عاشور، التحرير والتنوير، ۱۴۲۰: ۵۱/۱ - ۵۶).

دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی پیرامون تواتر قرائات

۱. بررسی ثبوت تواتر قرائات

آقای فاضل بعد از بیان مقدمه‌ای در مورد متواتر بودن اصل قرآن (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۲۵) با ورود به بحث تواتر قرائات آن را به دو بخش تقسیم می‌کند:

یک - بررسی ثبوت تواتر قرائات از مشایخ از نظر آیت الله فاضل لنکرانی

ایشان در توضیح این مطلب می‌فرمایند: اگر مراد از تواتر قرائات سبعة یا عشرة، تواتر از طریق مشایخ و قراء مراد است، که اسناد قرائات به راویان آن‌ها یقینی باشد به سبب خبر دادن جماعتی که توافق آن‌ها بر کذب ممتنع باشد، در این صورت این‌گونه پاسخ داده می‌شود: الف) آن‌چه از اسناد این قراء بر می‌آید آن است که راویان قرائت از مشایخ دو راوی بودند که یا بی واسطه یا با واسطه از اساتید قرائت نقل کردند؛ پس با این شرایط تواتری در طبقه راویان اولیه این قرائات صورت نگرفته است.

ب) بر فرض که در همه طبقات تواتر صورت گرفته باشد، این روایات متواتر هیچ اثر عملی برای ما ندارد زیرا نظر و اجتهاد یک شخص حتی اگر به صورت متواتر هم نقل شده باشد باز حجیتی برای ما ثابت نمی‌کند (همان، ۱۳۰).

دو - بررسی ثبوت تواتر قرائات از پیامبر از نظر آیت الله فاضل لنکرانی

آیت الله فاضل در ادامه می‌فرماید: اگر مراد از تواتر قرائات، تواتر از طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد - هم‌چنان‌که ظاهر سخن قائلین به تواتر همین است - به معنای این‌که پیامبر بر طبق این قرائات مختلف قرآن را قرائت کرده است، در رد این ادعا پنج نکته بیان می‌شود:

الف) بنابر آن‌چه گذشت تواتر از طریق مشایخ و راویان اصلی این قرائات ثابت نشد، با این وصف چگونه تواتر از طریق پیامبر ثابت می‌شود.

ب) با فرض ثبوت تواتر تا مشایخ و قراء باز هم سخن مدعی صحیح نیست و تواتر تا رسول خدا ثابت نمی‌شود زیرا اگر چه سند تا مشایخ متصل است ولی بعد از قراء سند تا پیامبر منقطع است؛ به علاوه این‌که حتی اگر سند تا رسول خدا متصل باشد باز هم تواتر ثابت نمی‌شود زیرا در طبقه مشایخ و قراء وصف تحقق تواتر «بودن جماعتی با عدم تواطؤ بر کذب» صورت نگرفته است چرا که در این رتبه از سند یک راوی بیش‌تر وجود ندارد و آن همان شیخ و قاری آن قرائت است.

ج) مشایخ و قراء در مقام احتجاج قرآنی را بر قرائت دیگر ترجیح داده‌اند؛ در حالی که با فرض تواتر قرائات ترجیح دادن یکی و اعراض از دیگری معنا ندارد؛ زیرا بعد از موافقت قرائت پیامبر با جمیع قرائات مجالی برای مقایسه بین آن‌ها باقی نمی‌ماند.

د) منسوب کردن قرائات به قاریان و مشایخ آن‌ها با متواتر بودن این قرائات از طریق پیامبر منافات دارد؛ زیرا اگر این قرائات را نبی مکرم فرموده‌اند دیگر اضافه کردن قرائات به این اشخاص جایی ندارد؛ به همین سبب نفس این نسبت دادن قرائات به مشایخ دلیل قطعی بر متواتر نبودن قرائات از طریق پیامبر است.

ه - شهادت بسیاری از محققان اهل سنت بر عدم تواتر قرائات و همچنین انکار و ایراد به بعضی از قرائات خود دلیل محکمی است بر عدم ثبوت تواتر در قرائات است؛ زیرا اگر مطلبی از پیامبر متواتر باشد انکار و اعتراض به آن جایز نمی‌باشد (همان، ۱۳۱).

۲. ادله موافقان تواتر و نقد آن از نظر آیت الله فاضل لنکرانی

یک - بررسی ادعای اجماع تواتر قرائات و نقد آن

موافقان تواتر برای اثبات سخن خویش به اجماع بین علما و دانشمندان متقدم و متأخر استدلال کرده‌اند؛ کسانی هم چون شیخ حرعاملی، معتقدند که مبحث تواتر قرائات مورد اتفاق مسلمین اعم از شیعه و اهل سنت است (عاملی، ذکری الشیعه، ۱۴۲۶: ۱۰۶).

اجماع در نزد مستدل زمانی حجیت پیدا می‌کند که تمامی امت پیامبر بر این مطلب اتفاق نظر داشته باشند، و حال آن‌که در بین مسلمین مخالفان زیادی وجود دارد که تواتر قرائات را منکر هستند؛ در بین امت اسلامی، اکثر امامیه و عده زیادی از محققین اهل سنت این مطلب را منکر هستند؛ پس چه گونه مستدل ادعای اجماع می‌نماید (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

دو - بررسی ادعای اهتمام صحابه و تابعان به قرآن و نقد آن

دلیل دیگری که قائلان به تواتر بر آن تکیه کرده‌اند، آن است که با توجه به نقل‌های روایی و تاریخی، صحابه و تابعین بر قرآن اهتمام زیاد داشته‌اند و از زمان حیات پیامبر تا دوره‌های بعد به نقل قرآن توجه خاص داشته‌اند؛ لازمه این نقل‌ها، تواتر قرآن و در نهایت تواتر قرائات را اقتضاء دارد.

آقای فاضل در پاسخ به این استدلال می‌فرماید:

الف) این دلیل با مدّعی آن‌ها سازگاری ندارد؛ زیرا مدّعا تواتر قرائات است، ولی دلیل، اقتضای تواتر اصل قرآن را دارد؛ به عبارت دیگر دلیل با مدعا سازگاری ندارد؛ واضح است که تواتر اصل قرآن، تواتر قرائات سبعة یا عشرة را ثابت نمی‌کند.

ب) مقتضای چنین دلیلی، تواتر اصل قرآن است نه تواتر کیفیت قرائت آن؛ خصوصاً این که مستند بعضی از قراء اجتهادات شخصی یا سماع بوده است؛ به علاوه شهرت قرائات سبعة در قرن سوم صورت گرفته است و قبل از قرن سوم اثری از این قرائات نبوده است؛ آن چه از نقل های تاریخی برداشت می شود آن است که ابوبکر احمد بن موسی بن العباس بن المجاهد اولین کسی است که قرائات سبعة را رسمیت بخشید؛ برخی با توجه به احادیث «سبعة احرف» قرائات سبعة را با این روایات منطبق کرده اند که در این راستا ابو محمد مکی می نویسد: «از ائمه قرائات، قرائت هایی نقل شده است که از لحاظ شأن و رتبه به مراتب از قرائات سبعة بالاتر هستند؛ چه طور چنین توهمی کرده اند که قرائات سبعة همان سبعة احرف است»؛ با این اوصاف چگونه اهتمام صحابه و تابعین موجب تواتر قرائات سبعة شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

سه - بررسی ادعای ملازمه بین تواتر قرآن و قرائات و نقد آن

دلیل سومی که موافقین تواتر بدان تمسک کرده اند، ملازمه بین تواتر اصل قرآن و تواتر قرائات و عدم انفکاک بین آنها است؛ و از آن جایی که بیش از یک قرائت برای قرآن به ثبت رسیده است، لزوماً تواتر قرآن به معنای تواتر قرائات به شمار می آید؛ آنها معتقدند که قرآن به سبب حافظان و قاریان معروف به صورت متواتر به ما رسیده است؛ در حالی که قرائت از اصل قرآن انفکاک ناپذیر است؛ پس همان گونه که اصل قرآن متواتر است قرائات نیز متواتر هستند.

آیت الله فاضل رحمته در رد این استدلال می فرمایند:

الف) هیچ ملازمه ای بین متواتر بودن اصل یک مطلب یا قضیه و خصوصیات آن وجود ندارد؛ چرا که در موارد بسیاری اصل یک قضیه مسلم است ولی در خصوصیات آن اختلاف وجود دارد؛ به عنوان مثال اصل قضیه هجرت پیامبر و با اصل واقعه کربلا قطعی و متواتر است ولی در خصوصیات آن اختلاف وجود دارد؛ در مورد قرآن هم این ملازمه ثابت نیست.

ب) اینکه اصل قرآن به سبب حافظان و قاریان به ما رسیده مطلب صحیحی نیست؛ زیرا لازمه این سخن آن است که اصل قرآن نیز به صورت متواتر به ما رسیده باشد؛ زیرا در طبقه حافظان و قاریان شرط تواتر «بودن جماعتی با عدم تواطؤ بر کذب» محقق نشده است؛ بلکه اصل قرآن به سبب تواتر بین مسلمین به دست ما رسیده است؛ و قاریان در این قضیه دخالتی نداشته اند؛ پس ادعای ملازمه بین تواتر اصل قرآن و قرائات ادعایی بدون دلیل است (همان، ۱۳۹ - ۱۴۰).

چهار - بررسی ادعای اختلاف قرائات موجب اختلاف در اصل قرآن و نقد آن
 دلیل آخری که آقای فاضل در کتاب مدخل التفسیر بیان نموده‌اند، این است که اختلاف قرائات
 گاهی برگشتش به اختلاف در اصل کلمه است، هم‌چون اختلاف در دو کلمه «مالک» و «ملک»؛
 در این حالت اگر تواتر قرائات را قائل نشویم مستلزم آن است که بعضی از قرآن متواتر نباشد؛ این
 دلیل را ابن حاجب مطرح کرده است و عده‌ای از قرآن پژوهان هم با او همراه شده‌اند.
 الف) اگر مراد مدّعی تواتر، خصوص قرائات سبعة است، دلیلی که ذکر کرده است اقتضای
 متواتر بودن جمیع قرائات را می‌کند؛ خصوصاً این‌که بعضی از محققان اهل سنت بدین مطلب
 تصریح کرده‌اند که غیر از قرائات سبعة قرائت‌هایی وجود دارد که رتبه و جایگاهشان بالاتر از
 قرائات سبعة است؛ هم‌چنان‌که ابو محمد مکی بدان تصریح کرده است؛ پس دلیلی که مستدل
 بیان کرده مدعای او را ثابت نمی‌کند؛ و لازمه این سخن آن است که همه قرائات متواتر باشد
 بدون آن‌که دارای رجحان و مزیتی نسبت به هم‌دیگر باشد (همان، ۱۴۰).
 ب) اگر مراد مدّعی تواتر همه قرائات باشد - مضافاً به این‌که این ادعایی باطل است چرا که
 هیچ‌کسی چنین سخنی را ادعا نکرده است - تلازمی با عدم تواتر قرآن ندارد زیرا این اختلاف
 دو حالت دارد:

۱. اختلاف در تمام کلمه است که هم در ماده و هم در هیئت اختلاف وجود داشته باشد
 که در این حالت راه چاره وجود دارد و می‌توان توجیهاً مقبولی را ارائه کرد.
۲. اختلاف فقط در هیئت است هم‌چون مثالی که مستدل بیان کرد «مالک، ملک» در این حالت
 در ماده کلمه یعنی «م-ل-ک»، تواتر قرآن ثابت است ولی در هیئت و کیفیت آن کلمه اختلاف وجود
 دارد؛ و این اختلاف منافاتی با تواتر در ماده آن کلمه ندارد (همان، ۱۳۹۶: ۱۴۰-۱۴۱).

دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی پیرامون تواتر قرآن و قرائت واحد

آیت الله فاضل از جمله کسانی است که تواتر قرآن را لازم و ضروری می‌داند؛ ایشان با
 تمسک به این دلیل که قرآن معجزه خالده الهی است، ضرورت تواتر قرآن را اثبات می‌کند چرا
 که چنین معجزه‌ای انگیزه نقل و ضبط آن را به صورت گسترده فراهم می‌کند؛ وی با بیان این
 مطلب که قرآن کتابی است که اگر همه انس و جن جمع شوند نمی‌توانند مثل آن را بیاورند، به
 تایید سخن خویش مبنی بر متواتر بودن کلام الله پرداخته است (همان، ۱۳۹).
 آیت الله فاضل، منکر تواتر قرائات هستند و در مقابل بر این مطلب تأکید می‌کنند که آن
 قرائتی که مورد تایید است و منسوب به پیامبر است و متواتر است همان قرائت معهود و مشهور
 بین مسلمین است «فاضل لنکرانی، دفاع از حریم قرآن، ۱۳۸۱: ۱۴).

نتیجه

متواتر بودن قرائات، مورد اختلاف پژوهش‌گران قرآنی است و موافقان و مخالفان این نظریه برای اثبات سخن خویش به ادله‌ای تمسک کرده‌اند؛ آیت الله فاضل از جمله مخالفین تواتر قرائات هستند؛ ایشان دلایل موافقین را ذکر کردند و پاسخ آن‌ها را جداگانه و به صورت مبرهن بیان نمودند.

از مهم‌ترین دلایلی که بسیاری از علما بدان تمسک کرده‌اند و آقای فاضل آن را به عنوان ادله موافقان تواتر نقل کرده است، اثبات تواتر قرائات از راه تواتر اصل قرآن است؛ ولی از مباحث مطرح شده روشن گردید که ادعای تواتر قرائات، سخنی ناصحیح است و ملازمه‌ای بین تواتر قرآن و قرائات وجود ندارد؛ از طرفی ادعای اجماع در مورد متواتر بودن قرائات سخنی بی‌اساس است؛ چرا که این نظریه دارای مخالفان زیادی از علمای شیعه و اهل سنت است. آیت الله فاضل معتقد است معجزه بودن ابدی قرآن موجب شده که این کتاب آسمانی به صورت متواتر و در حد وسیع مورد نقل قرار گیرد؛ از طرفی ایشان با انکار تواتر قرائات، بر این باور است که آن قرائتی که می‌توان بدان استناد کرد قرائت معهود و مشهور بین مسلمین است.

منابع

۱. ابن جزرى، محمد بن محمد، النشر فى القرائات العشر، بيروت: دار الكتب العلميه، بى تا.
۲. ابن جزرى، محمد بن محمد، منجد المقرئين و مرشد الطالبين، مكه مكرمه: دار عالم الفوائد، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: بى تا، ۱۴۰۴ق.
۵. انصارى، مرتضى، كتاب الصلاة، قم: المؤتمر العالمى، ۱۴۱۵ق.
۶. بلاغى نجفى، محمد جواد، آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، قم: بنياد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۷. جزائرى، سيد نعمت الله، الانوار النعمانية، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۸. حر عاملى، محمد بن حسن، تواتر القرآن، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۲۶ق.
۹. حلى، حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. حلى، حسن بن يوسف، نهاية الاحكام فى معرفة الاحكام، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۰ق.
۱۱. حمد، حمد بن عبد الله، شرح زاد المستقنع، بى تا.
۱۲. خراسانى، محمد كاظم، كفاية الاصول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.

۱۳. خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ق.
۱۴. رضی، رضی الدین، شرح الرضی علی الکافی، تهران: موسسه الصادق، ۱۳۹۵ق.
۱۵. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء تراث العربی، بی تا.
۱۶. زركشى، محمد بن عبدالله، البحر المحيط فی اصول الفقه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۱۷. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۸. سبکی، عبد الوهاب بن علی، رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب، بیروت: عالم الکتب.
۱۹. سعیدان، شیخ ولید بن راشد، تعریف الطلاب بأصول الفقه فی سؤال و جواب، بی تا.
۲۰. سید مرتضی، الذریعه الی اصول الشریعه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۲۲. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، ۱۳۷۲ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، اعتقادات، قم: المؤتمر العالمی لشیخ المفید، ۱۴۱۴ق.
۲۴. طباطبایی، محمد بن علی، مفاتیح الاصول، قم: موسسه آل البيت، ۱۲۹۶ق.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

۲۷. طبری، ابن جریر، جامع البیان عن تاویل ای القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۹. عاملی، زین الدین بن علی، حقائق الایمان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی و مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۸ش.
۳۰. عاملی، محمد بن مکی، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه آل البیت، ۱۴۱۹ق.
۳۱. عثیمین، محمد بن صالح، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۸ق.
۳۲. عطار شافعی، حسن بن محمد بن محمود، حاشیه العطار علی شرح الجلال المحلی علی جمع الجوامع، قاهره: دار البصائر، ۱۴۳۰ق.
۳۳. فاضل موحدی لنکرانی، محمد بن نجفعلی، دفاع از حریم قرآن، قم: عقل سرخ، ۱۳۸۱ش.
۳۴. فاضل موحدی لنکرانی، محمد بن نجفعلی، مدخل التفسیر، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۹۶ش.
۳۵. فراهیدی، کتاب العین، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۱۴۰۵ق.
۳۶. قابه، عبد الحلیم بن محمد، القرائات القرآنیه، تاریخها، ثبوتها، حجیتها و احکامها، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۹م.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۳۸. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.

۳۹. مکی بن ابیطالب، محمد، کتاب التبصرة فی القرائات السبع، هند: الدار السلفیه، ۱۴۰۲ق.

۴۰. مکی جریسی، محمد، نهاية القول المفید فی تجوید القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.

۴۱. مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۶ش.

۴۲. مؤدب، سید رضا، محمدی فرد، علی رضا، بررسی انگاره تواتر قرائات، دو فصل نامه علمی - پژوهشی قرائت پژوهی، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.